

بورس ایده: مبانی علمی، کارکردها و چالشها

بورس ایده هم از منظر مبانی نظری و هم از جنبه عملیاتی و کارکردی دارای قدمت زیادی است و روز به روز متکامل تر شده است. مفهوم سرریز شدن دانش (knowledge spillover) در سال ۱۸۹۰ میلادی توسط اقتصاددان انگلیسی آلفرد مارشال (Alfred Marshall) مطرح شد و بعدها در سال ۱۹۶۲ توسط کنت آرو (Kenneth Arrow) و پاول رومر (Paul Romer) در سال ۱۹۸۶ میلادی بسط یافت. در سال ۱۹۲۲ میلادی ادوارد گلایزر (Edward Glaeser) و همکارانش، مجموعه افکار مارشال، آرو و رومر را در قالبی منسجم مطرح نمودند. بر طبق این دیدگاه، مجاورت شرکتها در درون یک صنعت مشترک منجر به انتقال دانش در میان شرکتها می شود که این امر نوآوری و رشد آنها را تسهیل می کند. در چنین فضایی مبادله ایدهها بین کارکنان شرکتهای مختلف در خصوص محصولات جدید و روشهای جدید بصورت گسترده شکل می گیرد. فرصت برای مبادله ایدهها منجر به نوآوری می شود که کلید ورود به تولید محصولات جدید و روشهای تولید بهبود یافته است. پارکهای علم و فناوری نمونهی خوبی از کسب و کارهای تجمیع شده هستند که شرایط برای تبادل ایدهها در آنها فراهم می شود. شرکتهای مستقر در سیلیکون ولی (silicon valley) نیز در راستای چنین دیدگاهی شکل گرفته است. شکل گیری خوشههای صنعتی نیز به منظور بهره گیری از مزایای مبادله ایدههاست.

بنابراین می توان گفت بورس ایده در سطوح مختلف دارای مبانی نظری و الگوهای عملی متعددی در کشورهای توسعه یافته است که مطالعه تجربه این جوامع نشان می دهد که توجه به منابع انسانی و ایدههای کارآفرینانه به عنوان یک مزیت رقابتی در سطح شرکتی و ملی مطرح است و تنها سازمانهایی رشد می کنند که نوآورتر هستند. لذا سازمانها تلاش می کنند تا از ایدههای کارکنان خود و یا ایدههای افراد بیرونی که در بورسهای ایده عرضه شده اند، بهره مند شوند تا از گردونه رقابت خارج نشوند.

مهمترین کارکرد بورس ایده (The exchange idea) متصل نمودن مخترعان، مبتکران و افراد صاحب ایده به بازار و صنعت است. اغلب صاحبان ایده به علت عدم بضاعت مالی و فقدان دسترسی به امکانات کافی، توانایی تبدیل ایدههای نوآورانه خود به کسب و کار کارآفرینانه را ندارند. لذا بورس ایده محملی برای عرضه ایدههاست تا سرمایه گذاران و یا شرکتها به فراخور نیازهای خود اقدام به خرید ایدهها نمایند و یا از طریق شراکت با صاحب ایده، زمینه را برای تجاری سازی ایده ها فراهم نمایند. فرآیند معامله در بورس ایده تقریباً مشابه مراحل است که در بورس اوراق بهادار اتفاق می افتد ولی از نظر کارکردی و محتوایی ماهیت متفاوتی دارد. برای آنکه ایده ای قابلیت عرضه در بازار بورس ایده پیدا کند، باید در نهادهای قانونی

به ثبت رسیده باشد و مالکیت معنوی صاحب ایده قابل اثبات باشد و یا اصطلاحاً بصورت پتنت (Patent) در آمده باشد. صاحب ایده بایستی دارای برنامه کسب و کار یا طراحی تجاری (business plan) باشد که در آن کلیه اجزاء و عناصر کسب و کار در قالب نام تجاری، چکیده اجرایی طرح کسب و کار، بازاریابی محصولات و خدمات، مکانیابی، ریسک‌های مهم کسب و کار و غیره معرفی می‌شود. طرح تجاری، عملیاتی کردن یک شرکت روی کاغذ است و سندی است که جزئیات کسب و کار را ضمن تشریح موقعیت فعلی، نیازها، انتظارات و نتایج پیش‌بینی شده را شرح می‌دهد. در واقع، کار ویژه طرح تجاری در بورس ایده همانند امیدنامه در بورس اوراق بهادار است که نقشه‌ای برای موفقیت کسب و کار است و تصویر روشنی از آن ترسیم می‌کند که به کجا خواهد رفت و چطور به آن خواهد رسید.

بر مبنای همین طرح تجاری است که کمیته‌های مربوطه در سازمان بورس ایده باید نسبت به ارزش‌گذاری و یا اصطلاحاً کشف قیمت ایده عرضه شده، اقدام نمایند. این مرحله که در حقیقت تبدیل زبان علمی و فنی به زبان مالی است از حساسیت بالایی برخوردار است و می‌تواند بسیار چالش برانگیز باشد. زمانی که ایده قیمت‌گذاری شود برای آن ورقه بهادار صادر می‌شود و آماده فروش در بازار بورس ایده می‌شود.

بورس ایده در هر کشور را می‌توان در سه سطح مورد توجه قرار داد. سطح سازمانی، سطح میان‌سازمانی و سطح ملی. در سطح سازمانی از طریق ابتکاراتی همچون نظام پیشنهادها (Suggestion system) می‌توان زمینه را برای بهره‌گیری از ایده‌های کارکنان فراهم نمود؛ به گونه‌ای که پیشنهادها نوآورانه کارکنان در یک فرآیند علمی در کمیته‌های بررسی کننده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و زمینه برای اجرای ایده‌ها فراهم می‌گردد. در این سیستم، ایده‌های افراد بر اساس معیارهای کمی ارزش‌گذاری می‌شوند و مبلغی به عنوان پاداش مالی به پیشنهاد دهنده پرداخت می‌گردد. بورس ایده در سطح میان‌سازمانی در قالب شبکه‌هایی همچون خوشه‌های صنعتی و پارک‌های علم و فناوری قابل تحقق است. در این شبکه‌ها، شرکت‌ها فعالیت‌های تحقیق و توسعه را بصورت متمرکز و با بهره‌گیری از منابع انسانی و منابع مالی یکدیگر ساماندهی می‌کنند. در این شبکه‌های سازمانی، زمینه برای مبادله ایده کارکنان شرکت‌های عضو شبکه فراهم می‌شود. برای مبادله ایده‌ها در سطح ملی نیز می‌توان از طریق سازمان بورس اقدام نمود، به طوری که افراد مبتکر و مخترع ایده‌های خود را بطور مستقیم به فروش برسانند یا کسب و کار کارآفرینانه افراد مبتکر و نوآور در بازار بورس مورد معامله قرار گیرد.

طرح بورس ایده در ایران به علت آماده نبودن بسترهای لازم با چالش‌های مختلفی مواجه است که مهمترین آنها را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- کشف قیمت و یا تعیین ارزش مالی برای ایده‌های نوآورانه کاری بسیار دشوار است که نیازمند کادری مجرب و متخصص است که بتواند منافع اقتصادی و اجتماعی طرح تجاری پیشنهادی را برآورد نموده و هزینه‌ها و ریسک‌های احتمالی آن را پیش‌بینی کند.

- کارآمدی بورس ایده در سطح ملی مستلزم پیاده سازی موفق مبادله ایده در سطح سازمان و سطح میان سازمانی است. ناتوانی شرکت‌ها و سازمان‌ها در بهره‌گیری از نظام پیشنهادها و عدم استفاده بهینه از ابتکارات منابع انسانی در کشور امری واضح است که همگان بر آن اذعان دارند. از سوی دیگر، عدم توفیق شرکت‌ها در ایجاد ائتلافات سازمانی و خوشه‌های صنعتی به منظور بهره‌گیری از ایده‌های کارکنانشان در فرآیند تحقیق و توسعه، امیدها را برای امکان موفقیت مبادله و خرید و فروش اختراعات و ایده‌ها در سطح ملی کم رنگ‌تر می‌سازد.
 - قوانین و مقررات مرتبط با مالکیت فکری و همچنین مقابله با کپی رایت در کشور از استحکام و قوت کافی برای حمایت از مخترعان و صاحبان ایده برخوردار نیست. در بازنگری و تنقیح این قوانین باید به گونه‌ای عمل شود که از حقوق مادی و معنوی افرادی که ایده‌اشان در مراجع قانونی به ثبت رسیده است، حمایت شود.
 - از آنجا که ایده‌های نوآورانه توأم با ریسک‌های بسیار بالایی است، خرید این ایده‌ها در بازار بورس ایده با اقبال کمی از سوی سرمایه‌گذاران و خریداران مواجه خواهد شد و قطعاً رونقی که در بازار بورس اوراق بهادار شاهد آن هستیم، در این بازار وجود نخواهد داشت. لذا حداقل در شروع کار بورس ایده، دولت باید از طریق راه اندازی صندوق‌های مالی حمایتی و یا ترغیب شرکت‌های تحت پوشش خود به خرید ایده‌های مخترعان، زمینه را برای رونق بازار بورس ایده فراهم سازد.
- در مجموع، راه اندازی بورس ایده می‌تواند برکات زیادی برای جامعه داشته باشد و زمینه را برای بهره‌گیری از منابع انسانی نخبه و مخترع در تمامی حوزه‌های علوم انسانی، پزشکی، تجربی و فنی و مهندسی فراهم سازد؛ هر چند که نبایستی توقع داشت که در کوتاه مدت از بازدهی بالایی برخوردار باشد. ولی قطعاً این ابتکار می‌تواند نهضت نوینی در ایده‌پروری و نوآوری در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را پایه‌ریزی نماید و علم نافع را به جامعه سرازیر نموده و کیفیت زندگی را بهبود بخشد.

سید محمد مقیمی
moghimi@ut.ac.ir